

دوشنبه 8 بهمن 1397-22 جمادی الاول 1440-28 ژانویه 2019

تصرف آذربایجان توسط قوای روس در جریان جنگ جهانی اول (1293ش)



تصرف آذربایجان توسط قوای روس در جریان جنگ جهانی اول (1293ش)

پس از شروع جنگ جهانی اول و تجاوز نیروهای عثمانی به آذربایجان ایران، دولت روسیه نیز قوای خود را وارد ایران نمود و برای تصرف شهرهای آذربایجان، بین قوای روس و عثمانی جنگ شدیدی در گرفت. در این نبرد سهمگین عده زیادی از مردم آذربایجان کشته و زخمی شدند و اموال آنان به غارت رفت تا این که قوای روس بر سپاه عثمانی پیروز گشت و عثمانی‌ها عقب نشینی کردند. قوای قزاق روس در حالی به ایران هجوم آورده و در شهرها به تجاوزگری مشغول بودند، که ایران از همان آغاز بی‌طرفی خود را اعلام کرده بود. روس‌ها در این میان، شهرهای آذربایجان را آتش زده و مغازه‌ها را غارت کردند. این واقعه در حالی صورت می‌گرفت که دولت تزاری روسیه از سوی لنین سرنگون شده و دولت جدیدی با مرام کمونیستی قدرت را در دست گرفته بود. البته قوای قزاق روس که این زمان در ایران بودند، ارتباطی با دولت جدید نداشته و هنوز به دولت تزار وفادار بودند.

تحصن روحانیون انقلابی در مسجد دانشگاه تهران در اعتراض به بستن فرودگاه روس‌ها (1357 ش)

در اعتراض به جلوگیری دولت بختیار از ورود امام خمینی (ره) به کشور، حدود چهل نفر از روحانیون مبارز و انقلابی، در مسجد دانشگاه تهران تحصن کردند و شرط پایان این تحصن را بازگشت حضرت امام عنوان نمودند. حضرات آیات سید محمد حسینی بهشتی، مرتضی مطهری، عطاءالله اشرفی اصفهانی، سید محمود طالقانی، محمدجواد باهنر، سید علی خامنه‌ای، اکبر هاشمی رفسنجانی، محمد امامی کاشانی، محمد یزدی، علی مشکینی، محمد صدوقی و... از جمله متحصنین بودند. این تحصن مورد حمایت و استقبال شدید مردم و مراجع تقلید واقع شد و در نهایت شرایطی را به وجود آورد که بالاخره دولت بختیار را مجبور ساخت به بستن فرودگاه‌ها و اجباراً قدمی دیگر به عقب رود.

وفات آیت الله شیخ محمدتقی بهجت، خاتم العرفا والمجتهدین (1430ق)

حضرت آیت الله العظمی شیخ محمدتقی بهجت فومنی در اواخر سال ۱۳۳۴ق در خانواده ای دین دار و تقوایی، در شهر مذهبی فومن واقع در استان گیلان چشم به جهان گشود. هنوز شانزده ماه از عمرش نگذشته بود که مادرش را از دست داد و از اوان کودکی طعم تلخ یتیمی را چشید. درباره نام آیت الله بهجت خاطره ای شیرین از یکی از نزدیکان ایشان نقل شده است: «پدر آیت الله بهجت در سن ۱۶-۱۷ سالگی بر اثر بیماری وبا در بستر بیماری می افتد و حالش بد می شود به گونه ای که امید زنده ماندن او از بین می رود وی می گفت: در آن حال ناگهان صدایی شنیدم که گفت با ایشان کاری نداشته باشید، زیرا ایشان پدر محمدتقی است. تا این که با آن حالت خوابش می برد و مادرش که در بالین او نشسته بود گمان می کند وی از دنیا رفته است اما بعد از مدتی پدر آقای بهجت از خواب بیدار می شود و حالش رو به بهبودی می رود و بالاخره کاملاً شفا می یابد. چند سال پس از این ماجرا تصمیم به ازدواج می گیرد و سخنی را که در حال بیماری به او گفته شده بود کاملاً از یاد می برد. بعد از ازدواج، نام اولین فرزند خود را به نام پدرش مهدی می گذارد، فرزند دومی دختر بوده، وقتی فرزند سوم را خدا به او می دهد، اسمش را محمدحسین می گذارد، و هنگامی که خداوند چهارمین فرزند را به او عنایت می کند به یاد آن سخن که در دوران بیماری اش شنیده بود می افتد و وی را «محمدتقی» نام می نهد، ولی وی در کودکی در حوض آب می افتد و از دنیا می رود تا این که سرانجام پنجمین فرزند را دوباره «محمدتقی» نام می گذارد، و بدین سان نام آیت الله بهجت مشخص می گردد.» کربلایی محمود بهجت، پدر آیت الله بهجت از مردان مورد اعتماد شهر فومن بود و در ضمن اشتغال به کسب و کار، به رتق و فتق امور مردم می پرداخت و اسناد مهم و قبالة ها به گواهی او می رسید. وی اهل ادب و از ذوق سرشاری برخوردار بوده و مشتاقانه در مرثیاتی اهل بیت علیهم السلام به ویژه حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام شعر می سروده، مرثیه های جان گذاری که اکنون پس از نیم قرن هنوز زبان زد مداحان آن سامان است. آیت الله بهجت در کودکی تحت تربیت پدری چنین که دلسوخته اهل بیت علیهم السلام به ویژه سیدالشهداء علیه السلام بود و نیز با شرکت در مجالس حسینی و بهره مندی از انوار آن، بار آمد. از همان کودکی از بازی های کودکانه پرهیز می کرد و آثار نبوغ و انوار ایمان در چهره اش نمایان بود و عشقی فوق العاده به کسب علم و دانش در رفتارش جلوه گر. تحصیلات ابتدایی را در مکتب خانه فومن به پایان برد و پس از آن در همان شهر به تحصیل علوم دینی پرداخت. به هر حال، روح کمال جو و جان تشنه او تاب نیاورد و پس از طی دوران مقدماتی تحصیلات دینی در شهر فومن، به سال ۱۳۴۸ق هنگامی که تقریباً ۱۴ سال از عمر شریفش می گذشت، به عراق مشرف شد و در کربلای معلی اقامت گزید. بنا به گفته یکی از شاگردان نزدیک ایشان، معظم له خود به مناسبتی فرمودند: «بیش از یک سال از اقامتم در کربلا گذشته بود که مکلف شدم.» آری! دست تربیت حضرت رب سبحانه همواره بندگان شایسته را از اوان کودکی و نوجوانی تحت نظر جهان بین خود گرفته و فیوضاتش را شامل حال

آنان گردانیده و پیوسته می‌پاید، تا در بزرگسالی مشعل راهبری راه پویان طریق الی الله را به دستشان بسپارد. بدین سان، آیت الله بهجت حدود چهار سال در کربلای معلی می‌ماند و از فیوضات سیدالشهداء علیه السلام استفاده نموده و به تهذیب نفس می‌پردازد و در طی این مدت، بخش معظمی از کتاب‌های فقه و اصول را در محضر استادان بزرگ آن دیار مطهر می‌خواند. در سال ۱۳۵۲ق برای ادامه تحصیل به نجف اشرف مشرف می‌گردد و قسمت‌های پایانی سطح را در محضر آیات عظام از آن جمله مرحوم آیت الله آقاشیخ مرتضی طالقانی به پایان می‌رساند. با این همه، همت او تنها مصروف علوم دینی نبوده بلکه عشق به کمالات والای انسانی همواره جان نآرام او را به جست‌وجوی مردان الهی و اولیاء برجسته‌وامی داشته است. آیت الله بهجت پس از اتمام دوره سطح و درک محضر استادان بزرگی چون آیات عظام: آقا سیدابوالحسن اصفهانی و آقا ضیاءالدین عراقی و میرزای نائینی، به حوزه گران قدر و پرمحتوای آیت حق حاج شیخ محمدحسین غروی اصفهانی معروف به غروی وارد شد و در محضر آن علامه کبیر به تکمیل نظریات فقهی و اصولی خویش پرداخت و به یاری استعداد درخشان و تأییدات الهی از تفکرات عمیق و ظریف و دقیق مرحوم علامه کمپانی - که دارای فکری سریع و جوال و متحرک و همراه با تیزبینی بوده است - بهره‌ها برد. آیت الله بهجت در ضمن تحصیل و پیش از دوران بلوغ، به تهذیب نفس و استکمال معنوی همت گمارده و در کربلا در تفحص استاد و مربی اخلاقی برآمده و به وجود آقای قاضی که در نجف بوده پی می‌برد. پس از مشرف شدن به نجف اشرف، از استاد برجسته خویش آیت الله شیخ محمدحسین اصفهانی (غروی) استفاده‌های اخلاقی می‌نماید. هم‌چنین در درس‌های اخلاقی آقا سیدعبدالعفار در نجف اشرف شرکت جسته و از آن استفاده می‌نموده تا این که در سلک شاگردان حضرت آیت الله سیدعلی قاضی درآمده و درصدد کسب معرفت از ایشان برمی‌آید، و در ۱۸ سالگی به محضر پرفیض عارف کامل حضرت آیت الله سیدعلی آقای قاضی بار می‌یابد و مورد ملاحظت و عنایات ویژه آن استاد معظم قرار می‌گیرد و در عنفوان جوانی چندان مراحل عرفان را سپری می‌کند که غبطه دیگران را برمی‌انگیزد. ایشان بعد از تکمیل دروس، در سال ۱۳۶۳ق (موافق با ۱۳۲۴ش) به ایران مراجعت کرده و چند ماهی در موطن خود فومن اقامت‌گزید و بعداً درحالی که آماده بازگشت به حوزه علمیه نجف اشرف بود، قصد زیارت حرم مطهر حضرت معصومه علیهاالسلام و اطلاع یافتن از وضعیت حوزه قم را کرد، ولی در طول چند ماهی که در قم توقف کرده بود، خبر رحلت استادان بزرگ نجف، یکی پس از دیگری شنیده می‌شد، لذا ایشان تصمیم گرفت که در شهر مقدس قم اقامت کند. در قم از محضر آیت الله العظمی حجت کوه کمره ای استفاده کرده و در بین شاگردان آن فقید سعید درخشید. چند ماهی از اقامت حضرت آیت الله العظمی بروجردی در قم نگذشته بود که آیت الله بهجت وارد قم شد و هم‌چون حضرات آیات عظام امام خمینی (ره)، گلپایگانی و... به درس فقید سعید مرحوم بروجردی حاضر شد. آیت الله بهجت در همان ایام که در درس آیات عظام: اصفهانی، غروی و شیرازی حضور می‌یافت ضمن تهذیب نفس و تعلم، به تعلیم هم می‌پرداخت و سطوح عالی‌ه را در نجف اشرف تدریس می‌کرد. پس از هجرت به قم نیز پیوسته این روال را ادامه می‌داد. در رابطه با تدریس خارج فقه توسط ایشان نیز در مجموع می‌توان گفت که آیت الله بهجت بیش از چهل سال به تدریس خارج فقه و اصول اشتغال داشت و به واسطه شهرت‌گزیزی غالباً در منزل تدریس کرد و فضلالی گران قدری سالیان دراز از محضر پرفیض ایشان بهره‌بردند. آیت الله بهجت دارای تألیفات متعددی در فقه و اصول می‌باشد که خود برای چاپ اکثر آن‌ها اقدامی نکرد و گاه به کسانی که می‌خواستند آن‌ها را حتی با غیر وجوه شرعی‌ه چاپ کنند، اجازه نمی‌داد و می‌فرمود: «هنوز بسیاری از کتاب‌های علمای بزرگ سال‌هاست که به گونه خطی مانده، آن‌ها را چاپ کنید، نوبت این‌ها دیر نشده است.» برخی تألیفات معظم له عبارت‌اند از: یک دوره کامل اصول، حاشیه بر مکاسب شیخ انصاری و تکمیل آن تا آخر مباحث مربوط به مکاسب و متاجر، دوره کامل طهارت، دوره کامل کتاب صلاة، دوره کامل کتاب زکات، دوره کامل کتاب خمس و حج، حاشیه بر کتاب ذخیره‌العباد مرحوم شیخ محمدحسین غروی، تقریباً یک دوره فقه فارسی، حاشیه بر مناسک شیخ انصاری و... با این که ایشان فقیهی شناخته شده بود، ولی همواره از پذیرش مرجعیت سرباز زد. تا این که بعد از فوت سیداحمد خوانساری، جلد اول و دوم کتاب «ذخیره‌العباد» (جامع المسائل کنونی) را به قلم خود تصحیح و در اختیار خواص گذاشت و پیش از فوت مرجع عالی قدر حضرت آیت الله العظمی اراکی، اجازه نشر رساله عملیه خویش را داد. سرانجام وقتی جامعه مدرسین با انتشار اطلاعیه‌ای هفت نفر از جمله حضرت آیت الله العظمی بهجت را به عنوان مرجع تقلید معرفی کرد و عده‌ای از علمای دیگر از جمله آیت الله مشکینی، آیت الله جوادی آملی و... مرجعیت ایشان را اعلام کردند، به دنبال درخواست‌های مصرانه و مکرر راضی شد تا رساله عملیه ایشان در تیراژ وسیع به چاپ برسد، با این حال از نوشتن نام خویش بر روی جلد کتاب دریغ ورزید. مرجع عالی قدر جهان تشیع، حضرت آیت الله العظمی شیخ محمدتقی بهجت فومنی سرانجام در ساعت ۱۵:۳۰ روز یکشنبه بیست و دوم جمادی‌الاولی سال ۱۴۳۰ هجری قمری (برابر با بیست و هفتم اردیبهشت ماه ۱۳۸۸ش) چشم از جهان فروبست.

روز جهانی کمک به جدامیان

شاید امروزه جدام برای ما بیماری مهمی محسوب نشود، اما نیم قرن پیش جدام آنقدر موضوع مهمی محسوب می‌شد که راتول فولبریو فرانسوی آخرین یکشنبه ماه ژانویه هر سال را، روز جهانی کمک به بیماران جدامی نامید. در آن زمان در سراسر جهان، تقریباً ۱۵ میلیون نفر به این بیماری مبتلا بودند. سازمان بهداشت جهانی نیز ۲۸ ژانویه (۸ بهمن ماه) را روز جهانی مبارزه با جدام نامگذاری کرد. در سایه مبارزه پیگیر با این بیماری، امروزه، آمار جدامیان جهان به ۲ میلیون نفر کاهش یافته، اما هنوز این بیماری ریشه کن نشده است. سیمای اجتماعی جدام طی دهه‌های اخیر تغییر کرده است

به طوري که بيماران به طور فزاينده اي در سرويس هاي خدمات بهداشت عمومي تحت درمان قرار مي گيرند. ديگر جذام خوره وحشتناک سابق نيست ولي با وجود اين آنقدر مهم است که هنوز هم روز مبارزه با جذام برگزار مي شود تا به اين بهانه در تمام دنيا آموزش هايي از طريق رسانه هاي گروهی به مردم داده شود تا آنها با آگاهی علمي از اين بيماري چنانچه علائمي از آن را در خود مشاهده کردند به پزشک مراجعه کنند و با تشخيص و درمان زودرس مانع از ابتلاي افراد سالم جامعه به اين بيماري شوند.

تولد "کوندامين" رياضي دان و جهانگرد فرانسوي (1701م)

کوندامين، رياضي دان، سياح و مهندس معروف فرانسوي در 28 ژانويه 1701م در پاریس به دنيا آمد. وي گرچه تحصيلات مرتبي نداشت ولي به سبب علاقه فراواني که به جغرافيا و رياضيات پيدا کرد، به مطالعه درباره اين علوم پرداخت و دانشمند مشهوري شد. کوندامين در سال 1735م به همراه دانشمندان آکادمي علوم فرانسه، درصد شناختن شکل حقيقي کره زمين برآمد. اين تلاش به کشف برآمدگی خط استوا و فرو رفتگی دو قطب شمال و جنوب انجاميد. هم‌چنين کوندامين در رأس يك گروه علمي، براي اندازه‌گیری يك قوس نصف النهار کره زمين و با هدف تلاش براي شناخت شکل زمين به کشور پرو در امريکاي جنوبي که در نزديکی خط استوا بود، رفت و طی ده سال اين عمل را به انجام رساند. کوندامين سرانجام در 13 فوریه 1774م در 73سالگی درگذشت.